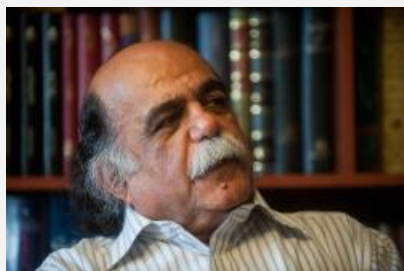


شهریار مردمی‌ترین سخنور روزگار ما است

استاد کزازی، شهریار را مردمی‌ترین سخنور پارسی‌گو در روزگار ما دانست و گفت: هیچ سخنوری مانند شهریار نتوانسته است جایی در یاد و سپس در دل فارسی زبانان بیابد.



استاد کزازی، شهریار را مردمی‌ترین سخنور پارسی‌گو در روزگار ما دانست و گفت: هیچ سخنوری مانند شهریار نتوانسته است جایی در یاد و سپس در دل فارسی زبانان بیابد.

استاد میر جلال الدین کزازی به مناسبت روز شعر و ادب پارسی در گفتگو با خبرنگار مهر، در پاسخ به اینکه «شهریار در ماندگاری شعر و ادب پارسی چقدر نقش داشته است و اگر بخواهیم در این زمینه امتیازی قائل شویم چه امتیازی به او تعلق می‌گیرد؟» اظهار داشت: من نمی‌توانم به شهریار یا هر سخنوری دیگر، آنچنان که شما می‌خواهید نمره ای بدهم. زیرا چونی(کیفیت) را نمی‌توان به گونه ای روشن آشکار به چندی (کمیت) دگرگون کرد یا با چندی نشان داد.

وی افزود: آنچه در پاسخ شما می‌توانم گفت این است که «شهریار» در روزگار ما مردمی‌ترین سخنور پارسی گوی است. هیچ سخنوری مانند شهریار نتوانسته است جایی در یاد و سپس در دل فارسی زبانان بیابد.

این استاد زبان و ادب پارسی تصریح کرد: یک نشانه آشکار این جایگاه ویژه که شهریار نزد ایرانیان یافته است، به ویژه توده های مردم، سروده هایی است که از او بر زبان بسیاری از کسان روان است.

وی افزود: اگر بخواهم نمونه ای برجسته از اینگونه سروده های شهریار را یاد کنم، می‌توانم از سروده «همای رحمت» او سخن در میان بیاورم که به شیوه های گوناگون در این سالیان از آن بهره برده اند.

چهره ماندگار ادب پارسی ایران خاطر نشان کرد: پاره ای از غزل های شهریار را خوانندگان، نوازندگان و آهنگسازان دست مایه آفرینش هنری خویش گردانیده اند.

هیچ سخنوری به اندازه شهریار مردمی نشده است

این استاد زبان و ادب پارسی و چهره ماندگار کشور خاطرنشان کرد: به راستی هیچ سخنوری را در این روزگار من نمی‌شناسم که به اندازه شهریار مردمی شده باشد.

استاد کزازی در خصوص اینکه «چرا روز شعر و ادب پارسی را همزمان با روز بزرگداشت استاد شهریار نامگذاری کرده اند؟» گفت: اگر خواست از این، سخن و ادب روزگار است کاری شایسته و پذیرفتنی است. لیک اگر خواست از آن پهنه سخن پارسی است که از رودکی آغاز می‌گیرد، سخنوارن دیگر را می‌توانیم یافت که نمایندگانی برتر در هنر سخنوری می‌توانند بود. سالارانی سترگ همچون فردوسی و سعدی و حافظ و مولانا که در ستیغ سخن جای گرفته اند.

چهره ماندگار کشور و استاد زبان و ادب پارسی در پاسخ به اینکه «چرا علی‌رغم اینکه زبان اول شعری شهریار ترکی بوده است روز بزرگداشت این شاعر به عنوان روز شعر و ادب پارسی نامگذاری شده است؟» گفت: آنچه می‌توانم گفت این است که مایه شگفتی نیست که سخنوری که زبان مادری او زبان نیست دیگر، به زبان پارسی شورانگیز، شیوا، شعر بگوید.

سخنورانی بزرگ در تاریخ ادب ایران می‌شناسیم که زبان مادریشان پارسی نبوده است

وی افزود: سخنورانی بزرگ، نامدار را در تاریخ فرهنگ و ادب ایران می‌شناسیم که در زبان پارسی شگفتی و شاهکار آفریده اند اما زبان مادریشان پارسی نبوده است. یکی از این سخنواران که فرزانه سخن گستر خراسانی «ناصر خسرو» در سفر نامه خویش از او یاد کرده است، «قطران تبریزی» است.

پروفسور کزازی تصریح کرد: ناصر خسرو درباره این سخنور داوری و دیدی بسیار بغض، شایسته درنگ، شگفتی انگیز، شاید در چشم پاره ای از کسان خرد آشوب دارد. او در سفرنامه نوشته است که «قطران نام شاعری است که به نزد من آمد که شعر نیکو می‌گفت اما پارسی نیکو نمی‌دانست».

وی افزود: چگونه سخنوری که پارسی نیکو نمی دانسته است در این زبان نیکو شعر می گوید؟ این چیستان را با این پاسخ می توان گشود که خواست ناصر خسرو از این سخن آن است که او با زبان پارسی آشنایی آموختاری داشته است. این زبان را آموخته بوده است. زبان مادری او زبانی دیگر بوده است.

این استاد زبان و ادب پارسی یادآور شد: سخنورانی مانند «خاقانی» و «نظامی» هم که شاهکارهایی شگرف در زبان پارسی آفریده اند، زبانی دیگر مادری داشته اند. شهریار هم از تبار این سخنوران است. از همین روی توانمندی او، نامداری وی در سخن پارسی مایه شگفتی نمی تواند بود.